

- ۱ نمودار فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد از نگاه «ماکس وبر» را رسم کنید.
- ۲ در جهان متجدد، از دیدگاه ماکس وبر، «زوال عقلانیت ذاتی» به چه معناست؟
- ۳ در جهان متجدد، با عناصر مقدس و معنوی، چه برخوردی می‌شود؟
- ۴ منظور «ماکس وبر» از قفس آهنین در دنیای متجدد چیست؟
- ۵ در جهان متجدد، چه علوم و کنش‌هایی به شدت رواج می‌یابند؟
- ۶ در جهان متجدد، رشد تجربی و فناوری حاصل از آن، برای تسلط بر طبیعت و جامعه را می‌گویند.
- ۷ در جهان متجدد، آدمیان برای رسیدن به اهداف دنیوی، از چه عواملی استفاده می‌کنند؟
- ۸ در جهان توحیدی، طبیعت چگونه موجودی است؟
- ۹ جهان معنوی چند نوع است؟
- ۱۰ جهان «دنیوی» دارای چه فرهنگی است و به آن چه می‌گویند؟ و چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۱۱ فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی به چه صورتی ظاهر می‌شوند؟
- ۱۲ جهان‌های اجتماعی مختلف با استعدادها و سرمایه‌های انسان چگونه برخورد می‌کنند؟
- ۱۳ جهان‌های اجتماعی مختلف بر چه اساسی ارزیابی می‌شوند؟

۱۴ فرصت‌ها و محدودیت‌ها در جهان اجتماعی، چه ویژگی دارند؟

۱۵ محدودیت‌ها و فرصت‌های زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند را بیان کنید.

۱۶ قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی چه محدودیت‌ها و چه فرصت‌هایی را برای انسان‌ها پدید می‌آورد؟

۱۷ تا چه زمانی پیامدهای جهان اجتماعی پابرجا می‌ماند؟

۱۸ ما انسان‌ها در چه جهان اجتماعی دیده می‌کشاییم و چه تأثیری در گسترش آن داریم؟

۱۹ مهم‌ترین تفاوت خانه‌سازی انسان و حیوان در چیست؟

۲۰ جهان اجتماعی بعد از پدید آمدن با چه پیامدهایی روبه‌رو می‌شود؟

۲۱ افراد انسانی چگونه در ساختن جهان اجتماعی مشارکت می‌کنند؟

خلاصه کنید	مفاهیم اساسی
- هر جهان فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد.	جهان متجدد،

۲۲

۲۳ فیلم سینمایی «عصر جدید» را ببینید و تصویری را که چارلی چاپلین از انسان معاصر ارائه می‌کند تفسیر کنید.



بدون تردید همه‌ی ما، حتی محروم‌ترین افراد - اگر چه به صورت نابرابر - از جهان اجتماعی و نظم اجتماعی حاصل از آن فوایدی به دست می‌آوریم؛ مثلاً فقیرترین فرد، در حد معقولی می‌تواند مطمئن باشد که در خیابان‌های شهر، اتومبیل‌ها در جهت معین شده حرکت خواهند کرد و یا این‌که هر غذایی که توان خریدش را از هر فروشگاه‌ای داشته باشد در حد معقولی سالم و حلال خواهد بود. اما هر کدام از این فواید هزینه‌ای دربر دارد؛ برای مثال حرکت منظم اتومبیل‌ها، به این معنی است که ما نمی‌توانیم هر طور که بخواهیم رانندگی کنیم بدون این‌که جریمه شویم. امنیتی که ما از آن برخورداریم و در خیابان مورد هجوم قرار نمی‌گیریم هزینه‌اش این است که ما نمی‌توانیم هر از چند گاهی که هوس کردیم به دیگران حمله کنیم.

البته این‌ها به این معنی نیست که بگوییم نظم اجتماعی ما را از آزادی محروم می‌کند. اتفاقاً آزادی ما تنها با وجود نظم اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود. رابطه دوسویه نظم و آزادی از پیامدهای الزامی هر جهان اجتماعی است. در طول تاریخ عدالت اجتماعی یکی از آرمان‌های اصیل انسانی بوده است. به نظر شما رابطه دوسویه نظم و آزادی در جامعه‌ی عادل چگونه است؟

انواع جهان معنوی را نام برده و توضیح دهید.

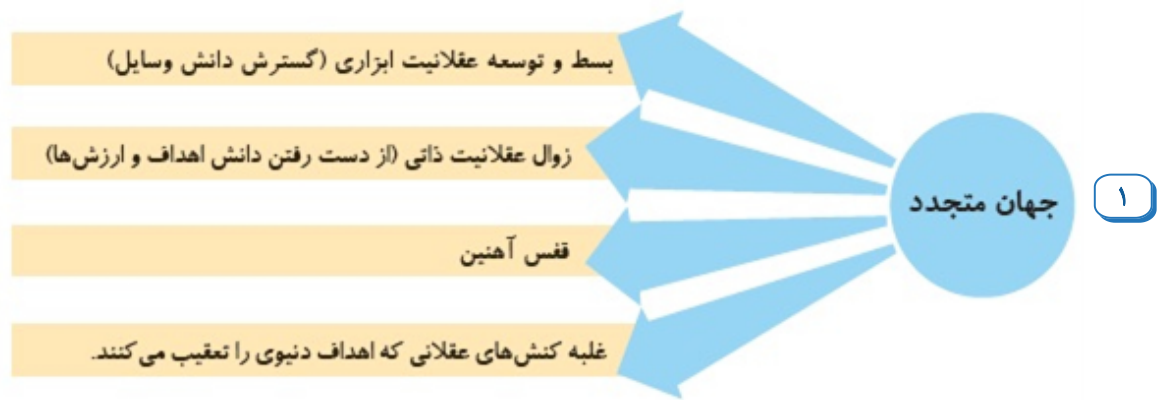
منظور از فرهنگ معنوی چیست؟

جهان‌های اجتماعی را براساس آن‌ها به دو نوع و معنوی تقسیم می‌کنند.

ویژگی‌های تار عنکبوت نشان می‌دهد «محکم‌ترین ماده بیولوژیک است» پس چرا خداوند سبحان در قرآن خانه عنکبوت را سست‌ترین خانه‌ها توصیف می‌کند؟ چه نتیجه‌ای از این مقایسه می‌توان گرفت؟

یک جهان اجتماعی چگونه ارزیابی می‌شود؟

سیر تحول جهان اجتماعی چگونه است؟



۱ جهان متجدد فقط علوم تجربی را معتبر می‌داند و علمی را که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری که فراتجربی‌اند، از دست می‌رود و دوری درباره این امور، به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق سپرده می‌شود.

۲ در جهان متجدد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند. جهان صرفاً از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار بشرند؛ به وسیله او به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند به مصرف می‌رسند و هیچ‌گونه قداستی ندارند.

۳ رواج کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا در جهان متجدد، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی، مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کند. این وضعیت، انسان‌ها را اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند و فرصت‌رهایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد.

۴ در جهان متجدد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیله علوم تجربی تعقیب می‌کنند (مانند استفاده از حسابداری و اقتصاد برای تخمین سود در بنگاه‌های اقتصادی با استفاده از علوم مهندسی برای ساختن پل، جاده) به شدت رواج می‌یابند.

۵ گسترش عقلانیت ابزاری

۶ در این جهان اجتماعی، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این اهداف از علوم تجربی استفاده می‌کنند. این علوم با روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله و سیل و مسلط شدن بر آن‌ها را به انسان می‌دهد.

۷ طبیعت موجودی زنده و آیت و نشانه خداوند حکیم و به خواست او مسخر انسان است و انسان خلیفه الهی و مسئول عمران و آبادانی طبیعت است. تصرفات انسان در طبیعت مقید به اراده حکیمانه الهی است.

۸ دو نوع: توحیدی و اساطیری

۹ جهان دنیوی دارای فرهنگ دنیوی است. به فرهنگ دنیوی فرهنگی سکولار نیز می‌گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است و جهان دیگر انکار می‌شود یا در محدوده منافی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود و همه ظرفیت‌ها و استعداد‌های انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرند.

۱۱

به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند. حقوق و تکالیف به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند.

۱۲

برخی از جهان‌های اجتماعی، استعدادها و سرمایه‌های معنوی انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌کنند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگرای خود، از توانمندیهای آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

۱۳

جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آن‌ها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

۱۴

فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها دو روی یک سکه‌اند.

۱۵

این زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد، مردم باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آن‌ها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند (محدودیت). با این حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورد (فرصت).

۱۶

محدودیت‌های قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، قسمت عابر پیاده، چراغ قرمز، تابلوهای راهنمایی، یک طرفه بودن خیابان‌ها، خط کشی عابر پیاده و فرصت‌های این قوانین، رفت و آمد ایمن و سریع، پیشگیری از تصادفات، رعایت حقوق خود و دیگران.

۱۷

هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود و در پی آن، برداشته شدن الزام‌هایش جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و الزام‌های دیگری به دنبال می‌آورد.

۱۸

ما انسان‌ها در جهانی دیده می‌کشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است؛ جهانی که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می‌دهند. اما هر یک از ما در برابر نتایج کنش گذشتگان صرفاً کنش‌گری منفعل و مجبور نیستیم بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم و گسترش این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم.

۱۹

انسان پس از ساختن خانه‌اش ناچار می‌شود متناسب با شرایط خانه، در خود و شیوه زندگی‌اش تغییر ایجاد کند در حالی‌که برای حیوانات چنین نیست. به همین دلیل شیوه زندگی انسان کوچ‌نشین، یک‌جانشین و شهرنشینی متفاوت می‌شود.

۲۰

جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می‌آید. ولی این پدیده، پس از آنکه با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک‌تک افراد نیست. این پیامدها خود، موقعیت جدید (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد.

۲۱

افراد انسانی با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می‌کنند.

خلاصه کنید	مفاهیم اساسی
<p>- هر جهان اجتماعی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد.</p> <p>- فرصت‌ها و محدودیت‌های امروز ما توسط گذشتگان ما پدیده آمده است.</p> <p>- با تغییر جهان اجتماعی موجود، الزام‌های موجود برداشته می‌شوند.</p> <p>- جهان اجتماعی از نظر فرهنگی یا دنیوی‌اند و یا معنوی</p> <p>- فرهنگ سکولار فرهنگ جهان دنیوی است.</p> <p>- فرهنگ توحیدی فرهنگ جهان معنوی اسلام است.</p> <p>- جهان اساطیری محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است.</p> <p>- از جلوه‌های جهان دنیوی «جهان متجدد» است.</p> <p>- جهان متجدد در نهایت قفس آهنینی بر وجود انسان ساخته است.</p>	<p>جهان متجدد، سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی به مثابه گفت و گو فرصت شکوفایی، محدودیت فرهنگ دنیوی، فرهنگ معنوی، جهان دنیوی، جهان معنوی، فرهنگ سکولار، جهان توحیدی، جهان اساطیر</p>

۲۲

۲۳ در جهان معاصر، به علت تسلط ماشین و وجود علوم تجربی در تمامی عناصر زندگی، کنش‌های عاطفی و اخلاقی انسان‌ها محدود و به جایش کنش‌های حسابگرانه می‌نشیند. در جهان متجدد، افراد خواهان تسلط بر این جهان، به تدریج اسیر نظام پیچیده‌ای می‌شوند که ماکس وبر از آن به عنوان قفس آهنین یاد می‌کند.

۲۴ در یک جامعه عادل، بین نظم اجتماعی و آزادی یک رابطه دوسویه وجود دارد که از پیامدهای الزامی جهان اجتماعی است. یعنی افراد نباید به بهانه آزادی در یک جامعه عادل، از نظم اجتماعی که موجب آرامش جامعه است، سرپیچی کنند.

۲۵ توحیدی - اساطیری

جهان توحیدی: فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، فرهنگ جهان توحیدی است.

جهان اساطیری: فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرتهای فوق طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است. فرهنگ اساطیری مانع شکوفایی فطرت آدمی می‌شود.

۲۶ جهان معنوی، فرهنگ معنوی دارد. این فرهنگ، هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایه‌ی حیات برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدوده‌ی مرزهای این جهان عبور کرده، چهره‌ای آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند.

۲۷ جهان‌های اجتماعی را براساس فرهنگ آن‌ها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌کنند.

خانه‌ی عنکبوت و نه تارهای آن سست‌ترین خانه‌هاست؛ زیرا عنکبوت را نه از گرمای خورشید محافظت می‌کند و نه از سرمای زمستان. سایه‌ی کافی ایجاد نمی‌کند و در برابر باران، تندباد و خطر مهاجران قادر به محافظت از او نیست. این خانه از دوستی و مهربانی نیز تهی است؛ در برخی عنکبوت‌ها جنس ماده، جنس نر را می‌کشد. در برخی حالت‌ها عنکبوت ماده بی‌رحمانه بچه‌های خود را می‌خورد. وقتی بچه عنکبوت‌ها از تخم بیرون می‌آیند، خود را در یک مکان بسیار شلوغ، داخل کیسه تخم می‌بینند. این خواهرها و برادرها به خاطر غذا یا فضا با هم درگیر می‌شوند و یکدیگر را می‌کشند. خانه عنکبوت وحشی‌ترین خانه‌هاست که در آن خبری از پیوندهای خویشاوندی و عاطفی نیست. بدین ترتیب از مرغوب‌ترین مصالح و اشکال، سست‌ترین خانه بنا می‌شود. پروردگار، خلقت عنکبوت و خانه‌اش را مذمت نمی‌کند؛ بلکه از آن برای مقایسه استفاده می‌کند. خدا زندگی انسان‌هایی را که غیرخدا را به دوستی و سرپرستی می‌گیرند، هم‌چون کسانی می‌داند که به خانه‌ی سستی، هم‌چون خانه‌ی عنکبوت پناه برده‌اند.

یک جهان اجتماعی براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آن و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال آن می‌آورد ارزیابی می‌شود.

جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می‌آید ولی این پدیده، پس از آن‌که با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک‌تک افراد نیست. این پیامدها خود، موقعیت جدیدی (فرصت و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی فراهم می‌کند.